

## بازخوانی ایرانی-اسلامی از تحقق حقوق شهروندی در شهرهای سنتی ایران؛ مورد پژوهی: شهر یزد

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۴

کد مقاله: ۹۳۴۹۵

راضیه لیبب‌زاده<sup>۱\*</sup>

### چکیده

بر خلاف اندیشه‌های رایج در خصوص نو ظهور بودن حقوق شهروندی، به نظر می‌رسد این مبحث با ظهور اسلام ایجاد شده و بخشی از مبانی نظری اسلامی را در بر گرفته است. بنابراین هدف این پژوهش بازخوانی اسلامی-ایرانی از تحقق حقوق شهروندی در شهرهای سنتی بیان می‌گردد. برای دستیابی به این هدف، در مرحله اول با استفاده از روش تحلیل محتوا، دیدگاه اسلام در باب حقوق شهروندی و راهکارهای احقاق آن بررسی شده و در مرحله دوم با بکارگیری روش استدلال منطقی طریقه ترجمان کالبد آن معرفی می‌شود. در گام سوم، مبانی نظری تحقیق در شهر یزد با رویکرد مفهوم به مصداق مورد بازخوانی قرار می‌گیرد. بنابر یافته‌های تحقیق مشخص شد که حق حیات، امنیت و رفاه و آسایش (استخراج شده از آیات قرآن) اهم حقوق اسلامی شهروندان هستند. راهبردهای کالبدی این مفاهیم نیز توجه به عدالت، انسجام بین کالبد و محتوا، سیر از کثرت به وحدت و سیر از ظاهر به باطن است که با راهکارهای مختلفی (مانند درون-گرائی، مرکزگرائی، محوربندی فضا، سلسله‌مراتب، سامان‌بندی حرکت) تجلی پیدا می‌کنند، این مفاهیم و ترجمان کالبدی آن در شهر یزد بررسی و مشخص شد ساختار آن شهر به صورت نسبی حقوق شهروندان از منظر اسلام را پاس می‌دارد.

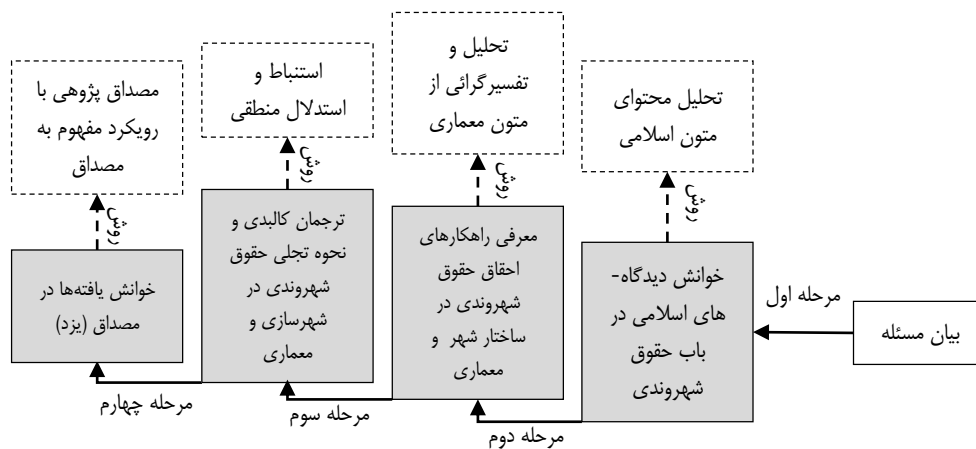
واژگان کلیدی: مبانی اسلامی-ایرانی، حقوق شهروندی، حق حیات، حق امنیت، حق رفاه و آسایش، یزد.

۱- استادیار، دانشکده عمران، معماری و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، [r.labibzadeh@gmail.com](mailto:r.labibzadeh@gmail.com)

در دوران معاصر رشد و توسعه شهرها همراه با تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی همراه است، این موضوع باعث می‌شود که شهر از یک پدیده صرفاً کالبدی و یا جغرافیایی خارج شده و حوزه گسترده‌ای از مسائل را در برگیرد، از همین رو عرصه فعالیت‌های شهری بتدریج از حوزه «شهرنشینی» به سمت «شهروندی» معطوف شد. این تغییرات موجب معرفی حقوق شهروندی به عنوان مبحثی نو در ادبیات علمی غرب شد ( Graig,2003, Martin,1997, Barker& Padfield,2002, Zweigert & Kotz,1998)، اما با پرداختن به محتوای دین اسلام می‌توان گفت توجه به «حقوق شهروندی» مبحثی اصیل بوده و سابقه‌ی آن به زمان بعثت نبی مکرم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) باز می‌گردد. مسئله حقوق افراد از جمله مسائل موکد در اسلام است که با عنوان «حق الناس» از آن یاد می‌شود، در این باب می‌توان به روایتی از پیغمبر اکرم اشاره کرده که با تعبیر دیگری فرموده‌اند: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» تمام افراد شما مسلمانان به منزله حافظ و نگهبان و دیگران هستند و تمام شما نسبت به تمام خودتان مسؤولید. تعبیری از این بالاتر نمی‌توان بیان کرد، یعنی ایجاد نوعی تعهد و مسؤولیت مشترک میان افراد مسلمان برای حفظ و نگهداری جامعه اسلامی بر مبنای تعلیمات اسلامی (مطهری، ۱۳۷۹: ۲۳۱). استوار بر این موضوع که «فرد مسلمان دارای مسؤولیت است» و با توجه به اینکه محتوای اسلامی به صورت نسبی در معماری و شهرسازی اسلامی تجلی پیدا کرده است (نقره‌کار، ۱۳۹۳: ۱۴۳)، سوال اصلی پژوهش چگونگی تاثیرگذاری مبانی حقوق شهروندی از منظر اسلام بر معماری و شهرسازی اسلامی-ایرانی بیان می‌شود و هدف پژوهش بازخوانی مصادیقی مبانی حقوق شهروندی اسلامی بر ساختارهای ایجاد شده بیان می‌گردد. برای دستیابی به این هدف ضروریست که دیدگاه اسلامی از حقوق شهروندی مطالعه و راهکارهای احقاق حقوق شهروندی بیان گردد تا بتوان مبانی نظری و ترجمان کالبدی آن را در نمونه موردی شهر اسلامی-ایرانی بازخوانی کرد. در این پژوهش شهر یزد به عنوان یکی از شهرهای اصیل دوران اسلامی از منظر حقوق شهروندی مورد مطالعه قرار گرفته است، دلیل انتخاب این مصداق، پایداری نسبی آن در مقایسه با سایر مصادیق سنتی بازمانده از معماری اصیل دوران اسلامی در ایران است.

## ۲- روش تحقیق

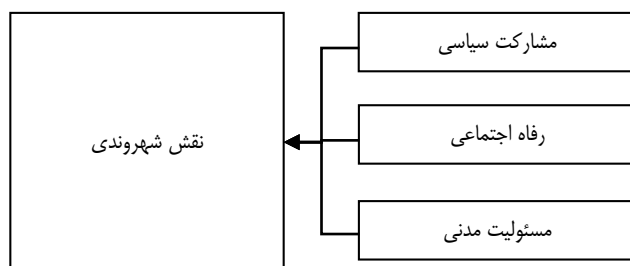
همان‌گونه که بیان شد، هدف این پژوهش بازخوانی اسلامی-ایرانی از احقاق حقوق شهروندی در ساختار شهرهای سنتی ایران (نمونه موردی یزد) است، در راستای نیل به این هدف، پس از بررسی پیشینه موضوع، در مرحله اول تحقیق با استفاده از روش تحلیل محتوای منابع اسلامی، مبانی حقوق شهروندی از منظر اسلام استخراج می‌گردد تا شاخص‌های نظری تحقیق تعریف شود (حکمت نظری). در مرحله دوم با بکارگیری روش تحلیلی-تفسیری راهکارهای احقاق حقوق شهروندی در ساختار شهر و معماری معرفی می‌شود (حکمت عملی). دو مرحله نخست تحقیق منجر به معرفی مبانی نظری پژوهش می‌گردد. در مرحله سوم با استفاده از روش استدلال منطقی ترجمان کالبدی از مبانی نظری ارائه و آن بخش از مباحث که قابلیت تجلی در ساختار شهر و معماری را داشته باشد معرفی می‌شود (استعداد). در مرحله آخر تحقیق نیز با رویکرد مفهوم به مصداق، مفاهیم مذکور در ساختار شهر یزد مطالعه می‌گردد. بنابراین روش تحقیق مقاله حاضر تلفیقی از روش‌های تحلیلی-تفسیری و استدلال منطقی در بستر کیفی است. در نمودار ۱ می‌توان خلاصه‌ای از روش پژوهش را مشاهده کرد.



نمودار ۱- روند تحلیل محتوای پژوهش

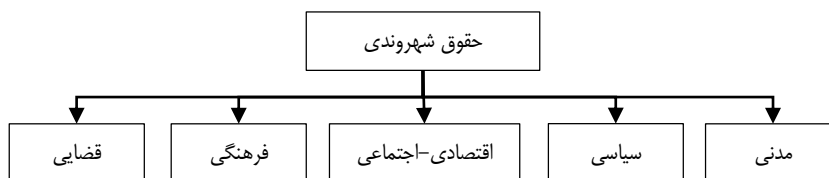
### ۳- پیشینه و ادبیات موضوع

مفهوم شهروندی یک «مبحث کلی» در علوم اجتماعیست، در حقیقت، تفکیک بحث درباره شهروندی از طیفی از موضوع‌های مرتبط مانند ماهیت مشارکت دموکراتیک، تحلیل حق‌های اجتماعی، مشروعیت نظم عمومی و ماهیت دولت در جامعه‌های انسانی دشوار است. منابع مختلف ارائه شده درباره شهروندی پیچیدگی این مفهوم و ماهیت آن در تحلیل و پژوهش علم اجتماعی را بازتاب می‌دهد. می‌توان شهروندی را مجموعه‌ای از حق‌ها در نظر گرفت که تعیین کننده عضویت اجتماعی-سیاسی افراد در جامعه است که نتیجه آن دلالت بر تخصیص منابع جمعی به گروه‌های اجتماعی، خانوارها یا افراد دارد. بدین ترتیب، شهروندی به منزله دسته‌ای از استحقاق‌ها تعریف می‌شود که افراد را به منزله اعضای کاملاً رشید و بالغ یک اجتماع سیاسی-اجتماعی درآمده و دسترسی به منابع کمیاب را برای آنان فراهم می‌کند (ترنر، ۱۳۸۶: ۱۵۵). شهروندی به مثابه یک سامانه حمایت فردی در سده بیستم در واکنش به موضوع‌هایی مانند محرومیت نژادی، بازار و دیگر شکل‌های نابرابری اقتصادی، و تفاوت‌های موجود در مورد گروه‌هایی مانند زنان، کودکان و ناتوانان توسعه یافته است. پاسخی پیچیده‌تر استدلال می‌کند که شهروندی اجتماعی در جامعه‌های مدرن برای ایجاد گونه‌های جدید همبستگی اجتماعی بر پایه روابط همگانی عمل کرد. به طور خلاصه، شهروندی جنبه‌ای از دین مدنی جامعه مدرن است و به مثابه دین ایده‌آلیست که به طور مستقیم از نظریه قرارداد اجتماعی ناشی می‌شود. تی. اچ. مارشال شهروندی را یک موقعیت یا منزلت در نظر گرفته و به جای بحث اخلاقی یا تاریخی کوشید آن را در نظام دانش اجتماعی توضیح دهد. این نظریه‌پرداز در واقع، شهروندی را به عنوان یک مفهوم طرح کرد تا واقعیت شهروندان را با رویکرد پیشینی معنا دهد. گرچه مخالفانی او را به نادیده گرفتن وجوه اقتصادی شهروندی متهم می‌کنند و تأکید کرده‌اند که کار وی صرفاً کاری در زمینه شهروندی اجتماعی بوده و او جنبه‌های دیگر شهروندی نظیر شهروندی فرهنگی را در نظر نگرفته است، اما مارشال شهروندی را دارای سه وجه سیاسی، اجتماعی و قانونی می‌داند که هر یک در اموری متجلی می‌شوند و معتقد است که شهروندی منزلتی است که قرار گرفتن در آن به معنای پذیرفتن سه نقش مشارکت سیاسی، پذیرش رفاه اجتماعی و مسئولیت مدنی است (کریمی و کامیار، ۱۳۹۲)، (نمودار ۲).



نمودار ۲، شهروند از دیدگاه تی اچ مارشال، (ماخذ: کریمی و کامیار ۱۳۹۶)

با توجه به ماهیت موضوع شهروندی، می‌توان گفت بخش زیادی از مباحث مرتبط به آن وابسته به رشته‌های مختلف از شاخه‌های علم اجتماع و علم حقوق است، اما در یک بیان کلی می‌توان گفت «حقوق شهروندی، حقوق انسان به جهت زندگی در اجتماعی معین است و با توجه به مقتضیات جوامع و شرایط زمانی و مکانی می‌تواند به گونه‌های متفاوت تعریف شود. این حقوق شامل حقوق مدنی، انسانی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و قضایی است» (نمودار شماره ۳)، (بمانیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۱).



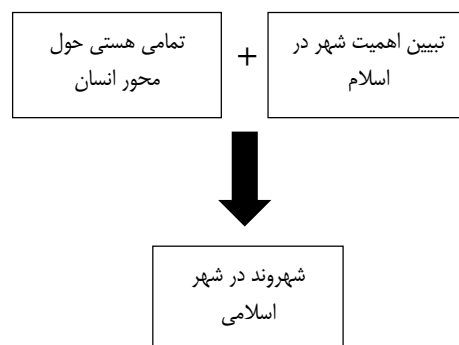
نمودار ۳، مباحث گوناگون در حقوق شهروندی، (ماخذ: بمانیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۱).

در این بین می‌توان از کتاب «حقوق شهروندی در قلمرو شهرنشینی» به عنوان یکی از منابع مهم در ارتباط بین شهروندی و معماری یاد کرد، این کتاب در بخش اول به بررسی نظرات اندیشمندان در باب حقوق شهروندی، تعریف مفهومی آن و تبیین تمایز آن با مفاهیم مشابه مثل حقوق بشر و حقوق مدنی می‌پردازد. در بخش دوم کتاب مذکور راهکارهای عملی تأمین حقوق مبنایی شهروندی با تأکید بر حقوق شهرنشینی ارائه می‌شود، این راهکارها شامل حق خلق فضای شهری و سرپناه، تعریف جایگاه حق

مسکن در قانون شهروندی، حق محیط زیست سالم و حق آمد و شد آسان است. بخش سوم کتاب به صورت جزئی‌تر به بررسی بازتاب حقوق شهروندی در فرآیند تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری پرداخته است (کریمی و کامیار، ۱۳۹۶). با بررسی محتوای این کتاب می‌توان گفت که سیر بررسی‌های آن از مفهوم به مصداق است، به صورتی که در بخش‌های اولیه محتوای حقوق شهروندی بررسی شده و در بخش‌های پایانی نقش آن بر طرح‌های جامع شهری، تحدید حقوق مالکانه و حق مرغوبیت شهری معلوم می‌شود. همانگونه که بیان شد، در این مقاله حقوق شهروندی از منظر دین مبین اسلام مطرح نظر است و مبانی و مباحث حاصل از آن چارچوب نظری پژوهش را تشکیل می‌دهد، بنابراین محور اول (و اصلی) پژوهش استوار بر مبانی نظری اسلام در باب حقوق شهروندی است.

#### ۴- حقوق شهروندی از دیدگاه اسلام

قرآن کتاب آسمانی مسلمانان، کارآمدترین کتاب برای سعادت و بهروزی است که در تمامی شئون زندگی انسان، راهنما و کارگشا می‌باشد. کتابی که کرامت واقعی را به انسان عطا می‌کند، در آن هیچ انحرافی نیست و انسان را از ظلمات جهل، شرک و تفرقه نجات می‌دهد. براساس آیات قرآن، هدف دین اسلام-به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین-سعادت دنیوی و اخروی انسان-هاست، با توجه به این گزاره محدودیت‌های زمانی و مکانی برای قرآن وجود ندارد، بنابراین می‌توان راهکارهای آن را به عنوان سرلوحه و پیش‌فرض برای ارتقا علوم مختلفه در نظر گرفت (جوادی‌آملی و خلیلی ۱۳۸۸). از دیدگاه قرآن، انسان موجودی است برگزیده از جانب خداوند، نیمه ملکوتی و نیمه مادی، دارای فطرتی خداآشنا، آزاد، مستقل، امانتدار خدا و مسؤول خویشتن و جهان، مسلط بر طبیعت و... از شرافت و کرامتی ذاتی برخوردار است؛ حق بهره‌گیری مشروع از نعمت‌های خدا به او داده شده، ولی در برابر خدای خویش وظیفه دارد (مطهری، ۱۳۹۵: ۲۶). بنابراین، از منظر اسلام شهروند دارای حق و تکلیف است، به عبارت دیگر دو عنصر تشکیل‌دهنده شخصیت انسان «حق و تکلیف» می‌باشد. یعنی نظام اسلامی به همان اندازه از نظر دینی، سیاسی و اجتماعی تکالیفی را بر عهده انسان نهاده است، در مقابل آن مجموعه تعهداتی بنام «حقوق» در مقابل او برعهده دارد که اولین آن حق «حیات» است (احمدپور، ۱۳۸۷: ۱۲۵). چون تمام حقوق، به حیات انسان تعلق دارد. یعنی جان و حیات انسان محترم و کسی حق تعرض و تعدی به آن ندارد. و در باور و عقیده اسلامی، انسان بقدری محترم و ارزشمند است که فلسفه وجود هستی بخاطر انسان است. «خدا آن کسی است که همه موجودات و پدیده‌های روی زمین را برای شما آفریده.» (بقره، ۲۹) پس می‌توان گفت، حق حیات از مسلم‌ترین حقوق انسان است و سلب حق حیات از او جایز نیست؛ سلب حق حیات یک فرد قتل تمام بشریت است. یعنی کشتن شخصی در جامعه انسانی، مرگ همه است؛ (مائده، ۳۲) تعدادی دیگر از آیات به طور مستقیم با مراکز جمعیتی (شهر) و حقوق شهری ارتباط دارند. خداوند متعال در دو نوبت به شهر سوگند یاد می‌کند: «من مأمورم که تنها پروردگار این شهر را - که خداوند آن را مقدس شمرده و هر چیزی از آن اوست - پرستش کنم و امر شده‌ام که از مسلمانان باشم» (نمل، ۹۱)، «قسم به این شهر و تو که در این شهر سکنی گزیده‌ای» (بلد، ۱ و ۲). در این آیات-که در شهر مکه نازل شده است-مشاهده می‌شود که شهر می‌تواند به قدری تقدس یابد که خداوند به آن سوگند یاد کند. شهر تجلی‌گاه اصول و ارزش‌های فرهنگی و مورد باور انسان است، جهان‌بینی سازنده خویش را معرفی می‌کند و به اهدافی که اهلش برای خود قائل هستند گواهی می‌دهد (نقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۳۴۲). با توجه به این موضوع که تمام هستی حول محور انسان و حق حیات او شکل گرفته و با توجه به اهمیت و تقدس شهر از نظر قرآن، می‌توان چنین استنباط کرد که تجمیع آن‌ها پدیدآورنده موضوع شهروند باشد (نمودار ۴)، بنابراین به نظر می‌رسد که نخستین دلیل برای پیدایش و شکل‌گیری شهرها توجه به حق حیات و زندگی شهروندان بوده است و مبین این است که افراد نسبت به هم دارای تکالیف و حقوق متقابلی هستند که تحت عنوان حقوق شهروندی قابل بیان است.



نمودار ۴- تاکید بر مفهوم شهروندی از دیدگاه قرآن، بنابر نظر قرآن تمامی هستی حول محور انسان شکل گرفته و شهر محل سکونت دارای جایگاه مقدسی است.

علاوه بر قرآن، نهج البلاغه میراثی شکوهمند در تمدن اسلامیت که درک صحیح از عمق مفاهیم و مضامین آن، الگوهای بی‌بدیلی در رهیافت حقوق شهروندی پیش روی دیدگان اهل تحقیق می‌نهد. این کتاب با نگاهی فراگیر در این مقوله، مفاهیم مختلفی را در نامه‌ها، حکمت‌ها و خطبه‌ها، ناظر به حقوق شهروندی، مشهود می‌سازد. دریافتی که از این مفهوم در نهج البلاغه به دست می‌آید، همان هدف و غایت اجرای حقوق شهروندی در نگاه حضرت علی علیه‌السلام است که زدودن غبار جهل از چشمان بشر و اشارت بر کوره‌راه بی‌عدالتی برای راست نمودن کجی‌های رهیافته در حق می‌باشد. موضوع حقوق اجتماعی، انصاف، مساوات و مبارزه با ظلم و ستمگری و تجاوز، از موضوعاتی است که در نهج البلاغه بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در کلام حضرت توصیه‌های فراوانی برای جامعه انسانی بیان شده است. یکی از این جلوه‌های بی‌همتا که می‌توان آن را از مبانی اصیل حقوق شهروندی در رویکرد اسلامی به شمار آورد، حضرت علی علیه‌السلام در صدر منشور خود خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «این فرمانی است از علی امیرالمؤمنین به مالک اشتر فرزند حارث در پیمانی که با او می‌بندد، هنگامی که او را به حکومت مصر می‌گمارد تا خراج آن دیار را جمع آورده و با دشمنانش نبرد کند، کار مردم را اصلاح، و شهرهای مصر را آباد سازد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). در خطبه چهلیم که خطاب به خوارج ایراد شده، به مباحث مهمی درباره حکومت و ضرورت آن و از جمله هفت وظیفه حاکم عادل الهی اشاره می‌کند: به وسیله او اموال بیت‌المال جمع‌آوری می‌گردد، تا هزینه‌های دفاعی و عمرانی و انتظامی فراهم شود (نهج البلاغه، خطبه ۴۰). بنابراین به نظر می‌رسد که از آغاز حاکمیت اسلام، به امور شهروندان فارغ از دین و نژاد و علایق شخصی توجه وافر شده و بر این اساس کالبد شهرها به عنوان بستر حاکمیت شکل گرفته باشد، تاکید حضرت علی علیه‌السلام بر کارهای عمرانی و اصلاح و آبادی شهرها دارای جنبه‌های گوناگونی است که همانا می‌توان به حق منظر و آرامش شهری اشاره کرد. پس اسلام علاوه بر تاکیدات فراوان بر حقوق شهروندی (مثل حق کرامت انسانی، آزادی بیان، حقوق اجتماعی و سیاسی و ...) دارای مباحثی در باب حقوق شهروندی و حق شهری مثل حق آرامش و آسایش افراد است و این حقوق باید به وسیله عواملی کالبدی در سطح شهر احقاق گردد.

## ۵- احقاق حقوق شهروندی از منظر اسلام

با توجه مطالب بیان شده، می‌توان گفت حق حیات انسان، جامع‌ترین حقوق در میان حقوق شهروندی است، برای خوانش این حق و دیگر حقوق شهروندی منابع اسلامی به عنوان مبنایی جامع و مانع مطرح می‌گردد. بنیان‌های فکری نظام حقوقی اسلام، برخلاف الگوهای غربی و معاصر، تلقی‌کننده‌ی الگوی حقوقی یکطرفه را مردود اعلام کرده و نظام حقوقی جدیدی را پیشنهاد می‌کند. این نظام، برای مردم جایگاهی متفاوت، اما واقعی ترسیم می‌کند و نتیجه‌ی آن، شهروند فعال، مکلف در عین حال، ذی حق است. به منظور تبیین صحیح جایگاه مردم در نظام اسلامی باید بدو و به اختصار، نگاه اسلام به عالم هستی، انسان و روش‌های کسب معرفت (هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی) بررسی شود تا بتوان براساس آن، جایگاه مردم را در این نظام تبیین کرد. در مبانی هستی‌شناسی، نکته‌ی اصلی آن است که، «توحید»، مبنا و نقطه‌ی عزیمت هر نظریه‌ای به شمار می‌رود. بسط توحید در عرصه‌ی اجتماع و سیاست و اقتصاد، به شکل‌گیری نظام توحیدی، حاکمیت قوانین الهی در جامعه منجر می‌شود. در فلسفه‌ی اسلامی، توحید منشأ همه‌ی عقاید و احکام است و مقوله‌های مختلف در نظام سیاسی و اقتصادی، مانند حد و مرز آزادی‌ها، جایگاه قانون، ساختار حکومت، اختیارات حاکم و نقش مردم در این امور، همه برگرفته از عقاید اسلامی، یعنی توحید است. بر این اساس، مهم‌ترین ویژگی سیاست اسلامی، در مقایسه با اندیشه‌ی بررسی شده، خدامحوریست (نوروزی، ۱۳۸۸: ۷۰). از طرفی انسانی‌شناسی اسلامی، تعریف آدمی بر مبنای چهار لایه وجودیست<sup>۱</sup> و این چهار لایه مبنای اعمال دیگر است (حسن‌زاده آملی، ۱۳۹۲). در مبنای معرفت‌شناسی، در حالی که در جهان‌بینی مادی، علم تجربی مهم‌ترین معیار شناخت به شمار می‌رود، در جهان‌بینی الهی، عقل، حس، وحی و شهود از منابع شناخت محسوب می‌شوند. از جمله مهم‌ترین نتایج این نگرش در بحث حقوق شهروندی، این است که باید چارچوب‌های اصلی حقوق شهروندی، برآمده از عقاید، احکام و اخلاق اسلامی باشد، چراکه مشروعیت‌بخشی به حقوق از آن خداوند است. همچنین، التزام و رعایت حقوق شهروندی توسط حاکم اسلامی، امری کاملاً مرتبط با مشروعیت قدرت اوست، چرا که واضع این حقوق، خداوند متعال است و نقض آن موجب زوال صفاتی چون عدالت و تقوا می‌شود (نوروزی، ۱۳۸۸: ۷۰). بنابراین، مهم‌ترین خاستگاه حقوقی در اندیشه اسلامی قرآن کریم است که «تبیان کل شیء» بوده و تجدیدی را که بشریت در عرصه ارتباطات فردی، اجتماعی، سیاسی، بین‌المللی بدان نیازمند است، به بهترین صورت برای جوامع بشری به ارمغان می‌آورد. سیره نبوی و دیگر معصومان (علیهم‌السلام) نیز مطابق با درک درست مفاهیم آن کتاب عظیم است. براساس قرآن می‌توان مولفه‌های پایه حقوق اسلامی شهروندی را در بندهای زیر اعلام کرد:

- حق کرامت و احترام انسانی (نحل ۹۰، حجرات ۹، نسا ۱۳۴، آل عمران ۱۶۴، اسراء ۷۰، نور ۲۳ و ۲۴).

<sup>۱</sup> شامل لایه نباتی، حیوانی، عقلانی و روحانی، همسو با این چهار لایه، نیازهای انسان شامل نیازهای جسمی، روانی، روحی و الهی تعریف می‌شود. برای مطالعه بیشتر رک «هزار و یک نکته» (حسن‌زاده آملی، ۱۳۹۲).

- حق امنیت (مآئده ۳۲، بقره ۱۹۱ و ۲۱۷، حج ۷۷، براءت ۹۲).
- حق رفاه و آسایش (بقره ۲۹ و ۱۶۸؛ حجر ۲۱؛ طه ۸۱؛ ق ۱۱؛ ملک ۱۵).

علاوه بر قرآن، می‌توان حقوق شهروندی اسلامی را در کلام و سیره امیرالمؤمنین علیه‌السلام به صورت مبسوط‌تری ارائه کرد، امام علی علیه‌السلام درباره حق دو تعبیر ارائه داده‌اند، در تعبیر نخست، «حق» دارای مفهومی گسترده است و شامل انواع گوناگونی می‌شود، اما به هنگام رعایت و عملی کردن آن زمینه و ابعادی محدود دارد، در تعبیر دوم، امام حق را در برابر تکلیف مطرح می‌کنند که همان مسئله پیوستگی حق و تکلیف است. هر جا حقی وجود دارد، تکلیفی نیز بیان شده و برعکس. در هیچ جا حق یک جانبه وجود ندارد؛ حتی در برابر حق خدا که صاحب بالاترین حق بر مردم است، حقوقی برای مردم وجود دارد. حق هدایت و حق فرستادن پیامبران و امامان و قرآن (دستورها و قوانین بهتر زیستن) از جمله حقوق مردم بر خداوند است. امام علی علیه‌السلام دایره حقوق را از روابط میان انسان‌ها فراتر دانسته و آن را به روابط میان انسان‌ها و پروردگار نیز تعمیم می‌دهد؛ چنان که می‌فرمایند: «بی‌گمان در برابر هر نعمتی، خدا را حقی است». در نظام حقوق علوی، دو نوع حق را می‌توان از هم تفکیک کرد: نوع اول حقوق خداوند (حق الله) است که حقوق شهروندی برپایه حقوق الهی و برگرفته از قواعد و متن دین و بر مدار توحید استوار است و مبنای و چارچوب حقوق و قواعد آن به جعل و اعتبار الهی مشروعیت پیدا می‌کند. با توجه به اینکه برخی حقوق در نظام تکوین، منشأ فطری و طبیعی دارد و برخی در نظام تشریح قراردادی بوده و خداوند خالق نظام تکوین و تشریح است، می‌توان گفت که سرچشمه حقوق انسان‌ها (حق الناس) خداوند بوده و اعتبار و ارزش قوانین و حقوق شهروندی اراده الهی است (فاطمی، ۱۳۹۳: ۵۴). اما آنچه در مورد حق خداوند و اهمیت آن گفته شد، بدین معنی نیست که حضرت علی علیه‌السلام از حقوق مردم غفلت کرده‌اند؛ بلکه برعکس، همه مسلمانان باید حقوق دیگران را رعایت کنند. البته رعایت این حقوق باید در راستای اجرای حقوق الهی باشد؛ یعنی قصد و هدف اجرای حقوق الهی است و به تبع آن حقوق تمام مردم نیز باید رعایت شود. درباره اهمیت حقوق مردم و تقدم حق مردم بر حق الله، امام در نهج البلاغه می‌فرمایند: «خداوند سبحان حقوق بندگان را بر حقوق خود مقدم قرار داده است؛ پس هر کس برای ادای حقوق بندگان خدا قیام کند، در واقع، همین عملش او را به ادای حقوق الهی می‌کشانند» (محمدی‌شهری، ۱۳۷۹: ۶۸). پس به لحاظ اینکه مراد از حق الناس حق مربوط به فرد یا افراد خاصی است و حق الله در برابر آن قرار می‌گیرد، می‌توان مقصود از آن را حقوق عمومی جامعه دانست؛ به ویژه اینکه حق الله را نمی‌توان بر معنی حقیقی آن حمل کرد و ایفا نمود، زیرا خداوند صمد و بی‌نیاز است. هر شهروند مسلمان باید حقوق شهروند دیگر را رعایت کند؛ زیرا رعایت این حقوق در راستای اجرای حقوق الهی است و هدف اجرای حقوق الهیست، اگر چه به تبع، حقوق شهروندان باید محقق و رعایت شود. البته حقوق متقابل فقط در رابطه با حقوق متقابل شهروندان و حکومت نیست؛ بلکه در روابط بین شهروندان و طبقات در سطح فردی و اجتماعی نیز صادق است. امام درباره حقوق متقابل افراد، برای تبیین حقوق پدر و فرزند، ابتدا به متقابل بودن حقوق اشاره کرده‌اند (با اقتباس از نهج‌البلاغه). برای رسیدن به تقسیم‌بندی کلی و در عین حال دقیق و پویا و برای ایجاد تناسب آن با نظام‌های سیاسی در جهان کنونی، با لحاظ کردن همه حقوقی که به مثابه حق شهروندی در سیره امام علی علیه‌السلام وجود دارد، حقوق شهروندی را به دو نوع شاخص کلی تقسیم می‌شود:

۱- شاخص‌های بنیادین (اصول نظری): مجموعه شاخص‌ها و حقوق ساختاری است که زیر بنای همه حقوقی را که به عنوان حق شهروندی در سیره امام علی علیه‌السلام وجود دارد، تشکیل می‌دهد؛ ضمن اینکه این نوع شاخص در هر وضع زمانی و مکانی ثابت بوده و بدون توجه به آن‌ها، شکل‌گیری حقوق شهروندی دور از واقعیت است. سنگ بنای مبنای حقوق شهروندی در نهج‌البلاغه را اصولی تشکیل می‌دهند که مسیر دستیابی جامعه به این حقوق را هموار می‌سازد و شامل موارد زیر است:

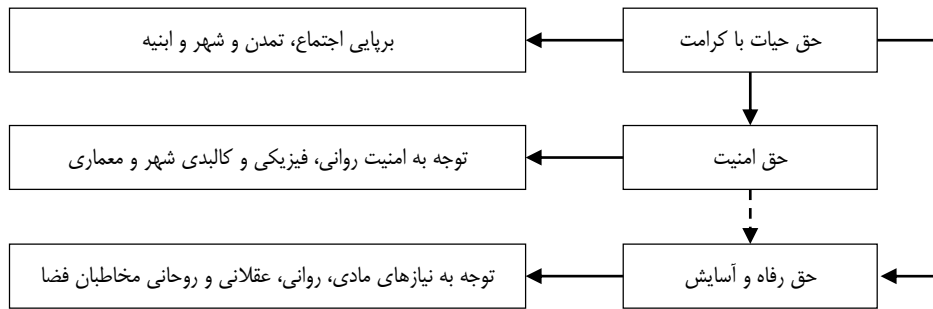
- حق وحدت، انسجام و امنیت
- انصاف و برابری
- پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری
- رعایت حق و تکلیف
- قانون‌مداری
- مهرورزی و مردم‌داری
- مشارکت آگاهانه مردم در تعیین سرنوشت (با اقتباس از نهج‌البلاغه).

۲- شاخص‌های راهبردی: مجموعه شاخص‌های حقوقی است که شهروندان به واسطه زندگی در اجتماع انسانی و زندگی فردی، در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، قضائی، مدنی و غیره از آن برخوردار می‌شوند. این قسم بزرگترین و اساسی‌ترین حقوقی است که برای هر شهروند وجود دارد. این نوع شاخص‌ها برخلاف شاخص‌های بنیادی در اوضاع زمانی و مکانی مختلف تغییرپذیر است (فروع راهبردی و عملی). نکته‌ای که در اینجا حائز اهمیت است و منجر به ایجاد ساختاری منطقی برای حقوق شهروندی اسلامی می‌گردد، توجه به شرایط زمان و مکان است، از این امر می‌توان به عنوان «اجتهاد ترجیحی» (لیبب‌زاده و حمزه-نژاد، ۱۳۹۷: ۵۸) یاد کرد. بنابراین می‌توان راهکارهای احقاق حقوق شهروندی از منظر اسلام را در موارد زیر بیان کرد:

- ۱- حق حیات با کرامت و احترام انسانی / تکلیف حفظ کرامت دیگران
  - ۲- حق امنیت (مثل صلح، برخورداری از امنیت اقتصادی، برخورداری از قوای قدرتمند نظامی و اقتصادی) / تکلیف مسئولیت در برابر حفظ امنیت جامعه و دیگر شهروندان
  - ۳- حق برابری و عدالت / تکلیف رعایت انصاف
  - ۴- حق آموزش بصیرانه / تکلیف پذیرش آموزش صحیح
  - ۵- حق آزادی اندیشه، بیان و دسترسی به اطلاعات / تکلیف سواد رسانه‌ای و تحلیل بصیرانه
  - ۶- حق مشارکت در تعیین سرنوشت / تکلیف اخذ مناسب‌ترین تصمیم
  - ۷- حق مشارکت در حفظ فرهنگ و هویت ایرانی-اسلامی / تکلیف حفظ و نشر فرهنگ ایرانی-اسلامی
  - ۸- حق اداره شایسته و تدبیر صحیح جامعه براساس اصول اساسی اسلام / تکلیف تعاون و همکاری در اداره جامعه
  - ۹- حق حفظ حریم خصوصی / تکلیف عدم تجسس
  - ۱۰- حق اعتراض و پرسش‌گری از مسئولین / تکلیف رعایت عدالت و ادب در پرسش‌گری
  - ۱۱- حق تشکیل و برخورداری از خانواده / تکلیف رعایت اخلاق خانواده
  - ۱۲- حق برخورداری از دادخواهی عادلانه / تکلیف حق‌پذیری در دادخواهی
  - ۱۳- حق آسایش و رفاه (مثل حق مسکن، اشتغال و ...) / تکلیف حضور پویا در جامعه
  - ۱۴- حق انسجام و وحدت رویه در جامعه / تکلیف حفظ وحدت
  - ۱۵- حق قانون‌مداری (بین مسئولین و شهروندان) / تکلیف رعایت قانون
  - ۱۶- حق مهرورزی و مردم‌داری / تکلیف گسترش مهر و حسن ظن
  - ۱۷- حق محیط زیست سالم / تکلیف حفظ محیط زیست (کرمی، ۱۴۰۰: ۹۹).
- مطابق با بندهای فوق، برخی از حقوق شهروندی اسلامی، قابلیت ترجمان کالبدی در سطح شهر و معماری داشته و برخی دیگر از حقوق ارتباط میان باشندگان محیط را تعریف می‌کنند، پس می‌توان گفت شهرسازی و معماری یا به صورت مستقیم یکی از ابزارهای احقاق حقوق شهروندان جامعه اسلامی هستند و یا بستر احقاق حقوق مذکور را فراهم می‌کنند.

## ۶- ترجمان کالبدی حقوق اسلامی شهروندی در معماری و شهرسازی

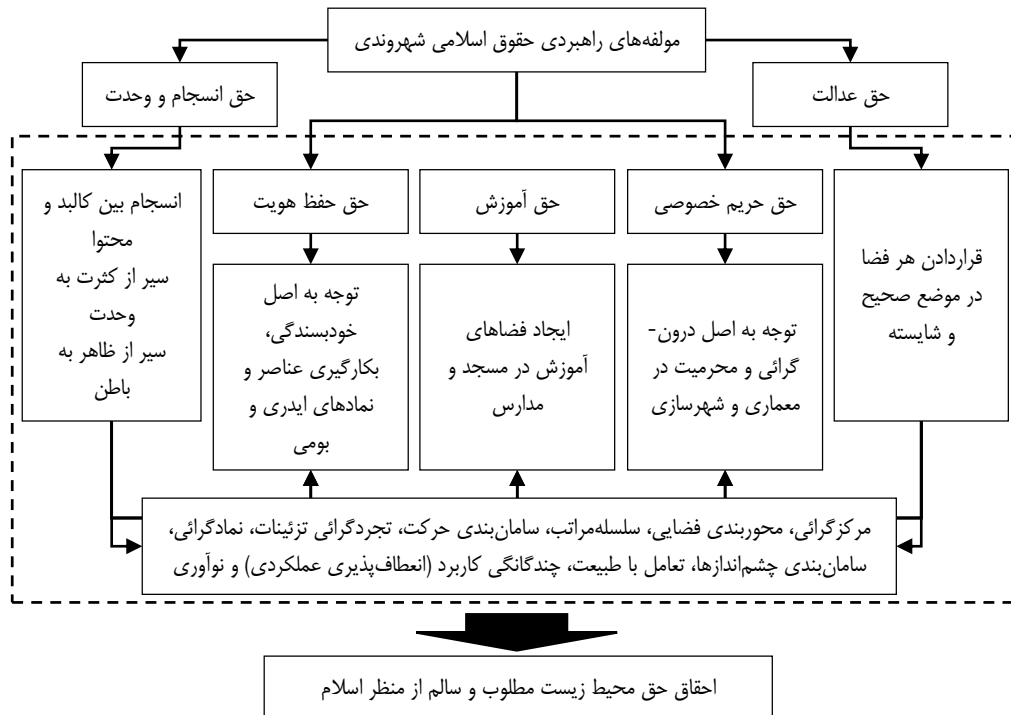
همان‌گونه که بیان شد، از منظر اسلام، احقاق حقوق شهروندان موجب احقاق حقوق الهی نیز می‌شود و حق‌الله وابسته به ادای درست حق‌الناس است. مبتنی بر این بینش، می‌توان اهمیت توجه به حقوق افراد را در جامعه اسلامی بیان نمود و تمام ارکان جامعه را برای احقاق آن گرفت. در این بین اولین حقوقی که احقاق آن را می‌توان پایه و اساس شهروندی اسلامی بیان کرد، حق حیات با کرامت و احترام است، می‌توان از این مطلب استنباط کرد که تمام جامعه و ساختارهای آن برای احقاق این حق بسیج شده‌اند، ایجاد ساختارهایی مثل حکومت، اقتصاد و اجتماع که پایه و اساس هر تمدنی هستند، در کالبدهایی مثل دژ، بازار و محله تجلی یافته‌اند (حبیبی، ۱۳۹۳) تا حق حیات مطلوب انسان را پاسداری کنند. پس از حق حیات با کرامت، دومین حقی که از منظر اسلام اهمیت زیادی دارد، امنیت شهروندان است، امنیت در سطوح مختلفی مانند امنیت فردی و خانوادگی، امنیت روستایی و شهری و امنیت ملی و جهانی قابل طرح است (پورموسوی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۶۶). که در این میان امنیت شهری شامل توجه به سازماندهی، توزیع و اختلاط کاربری‌ها، مناسب بودن معابر و دسترسی‌ها، توجه به مولفه‌های روانی فضا، پایداری سازه‌ها و بناها، ابنیه و ایجاد فضاهای شهری با دفاع است (تولایی و علیزاده، ۱۳۹۲). سومین حق از حقوق شهروندان که مستخرج از آیات قرآن است، حق رفاه و آسایش است. توجه به جمیع نیازهای مادی (مانند خوراک، پوشاک، مسکن و نیازهای فردی) نیازهای روانی (مانند شادی، معاشرت، تعاون، عزت نفس و محبت)، نیازهای عقلانی (مانند حق‌جویی، خودشناسی، عدالت، زیبایی‌طلبی، فراگیری علم و دانش) و نیازهای روحانی (مانند حس پرستش خداوند، میل به ذات باری تعالی) موجب ایجاد حس آرامش و آسایش در مخاطبان فضا شده (نقره‌کار و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۵) و بستر احقاق حق رفاه و آسایش را فراهم می‌آورد. در نمودار ۵ می‌توان سه مولفه اصلی در احقاق حقوق شهروندی اسلامی را مشاهده کرد.



**نمودار ۵- مولفه‌های پایه احقاق حقوق شهروندی مبتنی بر آیات قرآن و راهکارهای احقاق آن‌ها در معماری و شهرسازی، لازم به ذکر است که حق امنیت ارجح بر حق رفاه و آسایش است، بدین معنی که پیش شرط داشتن رفاه و آسایش، برقراری امنیت است.**

حقوق فوق به دلیل آنکه از نص آیات قرآن استنباط و تفسیر شده‌اند، مولفه‌های پایه حقوق شهروندان نامیده می‌شود و توجه به آن‌ها بستر احقاق دیگر مولفه‌های حقوق شهروندان را فراهم می‌سازد که شامل مواردی از رفتار و گفتار ائمه معصومین (علیهم‌السلام) است. همان‌گونه که در بخش‌های قبلی ذکر شد، نهج‌البلاغه به عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد اسلامیت است که مسائل جزئی‌تری از حقوق شهروندی را معرفی کرده است. حق عدالت از جمله مهم‌ترین حقوق‌های شهروندان است که باید در جامعه اسلامی احقاق شود. عدالت از منظر حضرت علی علیه‌السلام بر چهار شعبه استوار است، که دو شعبه از آن به ابعاد نظری و درونی انسان می‌پردازد و دو شعبه دیگر، ابعاد عملی و بیرونی را دربرمی‌گیرد: «فهمی که به عمق چیزها رسد، علمی که حقایق را دریابد، قضاوتی نیکو بود و راسخ بودن در بردباری. آنکه نیکو فهم کند به عمق دانایی رسد و هر که به عمق دانایی رسد، از آبشخور احکام دین سیراب بیرون آید و هر که بردباری را شعار خود سازد، در کارها تقصیر ننماید و در میان مردم، ستوده زیست کند» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۱). می‌توان گفت عدالت اسلامی در ساختار شهر و معماری مبتنی بر «علم و عمل» و جایگذاری هر فضا در محلی شایسته و نیکو تعریف می‌شود. از جمله حقوق دیگری که به آن اشاره شد، حق انسجام و وحدت است، وحدت در مراتب مختلفی (از جمله اجتماعی، سیاسی و ...) قابل تعریف است، اما از منظر شهرسازی و معماری می‌توان گفت انسجام بین کالبد و محتوا، سیر از کثرت به وحدت، سیر از ظاهر به باطن و سیر به اهداف متعالی زندگی عوامل وحدت و انسجام هستند که با مرکزگرایی، محوربندی فضایی، سلسله‌مراتب، سامان‌بندی حرکت، تجردگرایی تزئینات، نمادگرایی، سامان‌بندی چشم‌اندازها، تعامل با طبیعت، چندگانگی کاربرد (انعطاف‌پذیری عملکردی) و نوآوری شایسته به صورت کالبدی ترجمه می‌گردند (نقره‌کار، ۱۳۹۳: ۳۳۲). حق آموزش نیز از جمله حقوق شهروندان در شهر اسلامی-ایرانیست، از صدر اسلام میان دین و دانش، پیوستگی و رابطه‌ای مستقیم پدید آمد و مکانی یکسان (بدون توجه به جامعه طبقاتی قبل از اسلام) برای آموزش و تبلیغ دین ایجاد گردید به صورتی که می‌توان گفت آموزش مهم‌ترین کاربرد ثانویه مسجد در چهار سده نخست اسلامی بوده است. با ورود اسلام به ایران، شکوفایی دانش و توجه به امر آموزش افزایش یافته و مراکز علمی و آموزشی بسیاری تحت عنوان مدرسه پدید آمد (سلطانزاده ۱۳۶۴: ۹۲). بنابراین احقاق حق آموزش بدون تبعیض از اولین گام‌های اسلام در ساختار جامعه بود که با ساخت مدارس تجلی کالبدی یافت. حفظ هویت نیز از دیگر حقوق شهروندی است، در مطالعه اصول معماری ایرانی اسلامی، یکی از اصول پنجگانه توجه به معماری بومی و بکارگیری عناصر ایدری با نام «خودبستگی» معرفی شده و این اصل باعث تعریف هویت معماری اسلامی-ایرانی می‌شود، اصل دیگری نیز در معماری ایرانی اسلامی با نام «درون‌گرایی» وجود دارد که از دوران قبل از اسلام قابل خوانش بوده و در دوران اسلامی به اعتلا می‌رسد (پیرنیا، ۱۳۸۹: ۳۱)، این اصل در راستای توجه به حق حریم خصوصی و محرمیت ایجاد شده است. حق محیط زیست سالم نیز از جمله حقوق شهروندان است، توجه به جمیع حقوق یاد شده، موجب ایجاد محیطی مطلوب و سالم می‌گردد. به بیانی دیگر می‌توان گفت توجه به حقوق اسلامی شهروندی از منظر کالبدی و محتوایی در پی ایجاد محیطی سالم است تا بستر تعالی انسان را فراهم سازد (نمودار ۶).

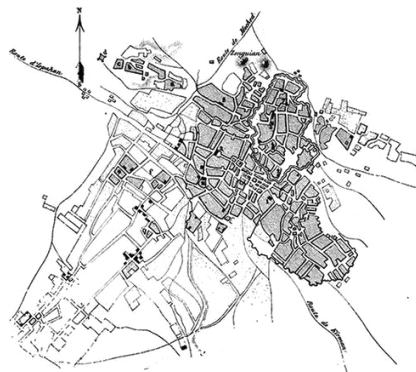




نمودار ۵- موفه‌های راهبردی احقاق حقوق اسلامی شهروندی در شهر اسلامی-ایرانی. براساس این نمودار، حق عدالت و انسجام و وحدت ارجح بر حقوق حریم خصوصی، حق آموزش و حق حفظ هویت هستند و پیش شرط احقاق دیگر حقوق شهروندی بیان می‌شوند.

## ۶- بازخوانی یافته‌ها در نمونه مطالعاتی

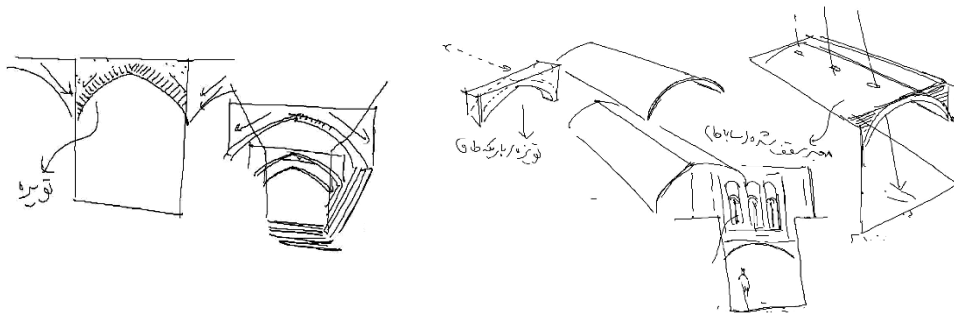
اولین گزارش‌ها از شهر یزد در دوران پس از اسلام، مربوط به حکومت علاء طوفی، عامل هشام بن عبدالملک (۹۶ هجری)، بر این شهر است، در این دوران باغ علاء و کوشکی در محل این باغ که به «کوشک نو» معروف است، احداث شده است (مفیدی، ۱۳۸۵: ۳۷). با وجود اینکه براساس تواریخ محلی یزد، شهر یزد را یزدگرد اول ساخته شده است، اما سند قطعی در این خصوص قابل مشاهده نیست (جعفری، ۱۳۸۴: ۲۱؛ کاتب، ۱۳۸۶: ۲۹). در هر حال، احداث یزد در هر دوره‌ای باشد، بستری برای زندگی ساکنان آن دوران فراهم کرده و تا دوره معاصر ادامه یافته است، بنابراین می‌توان گفت که حق حیات ساکنان، اولین حقی است که در این شهر احقاق می‌گردد.



تصویر ۱. نقشه یزد در سال ۱۸۶۱ میلادی (۱۲۳۹ خورشیدی)، این نقشه توسط نیکلای خانیکف روس ترسیم شده است و هسته اولیه شهر (مشهور به قلعه کهنه) را نمایش می‌دهد. (ماخذ: افشار، ۱۳۷۸: ۲۶۱).

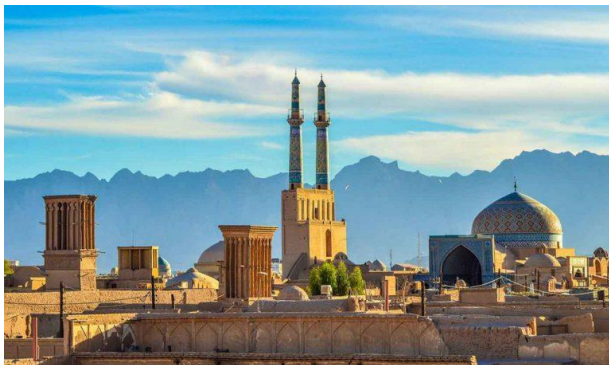
مطابق با تصویر ۱ می‌توان ساختار شهر یزد مبتنی بر نظم طبیعی (اردلان، ۱۳۹۱: ۱۱۱) مشاهده کرد، این ساختار در برابر بلایای محیطی و طبیعی (مانند طوفان شن) از شهر محافظت می‌نماید، از طرفی شناسایی و خوانایی شهر برای مهاجمان مشکل خواهد شد. معیار شهری دسترسی به کاربری‌های مختلف شهری را تسهیل نموده و بر امنیت شهر می‌افزاید، همچنین تعادل و

توازن سازه‌های معماری به عنوان تک‌سلول‌های شهری ساختار شهر را به صورتی ایمن ایجاد می‌کنند (سیر از جزء به کل). معابر کم‌عرض شهر علاوه بر اندیشه امنیتی، در راستای همسازی با اقلیم شکل گرفته است، به صورتی که تلفیق سایه و آفتاب در معابر موجب گردش طبیعی هوا می‌گردد، این عمل به وسیله عناصری مثل توپزه و ساباط امکان‌پذیر می‌شود (تصویر ۲).



تصویر ۲- توجه به آسایش اقلیمی در معابر شهر یزد به وسیله ساباط و توپزه، این عناصر علاوه بر اینکه امنیت سازه-ای برای ساختار شهر به همراه دارند، موجب سایه‌اندازی در معبر و گردش هوا می‌شوند، همچنین در مواقع طوفان شن، معبری ایمن ایجاد می‌کنند.

در راستای توجه به نیازهای عقلانی مخاطبان و برای احقاق حق آسایش و آرامش آن‌ها، مدیریت ادراک محیط اهمیت یافته تا محیطی دلپذیر ایجاد گردد، همچنین توجه به تاثیر ظاهر محیط در رفتار مخاطبان مهم به نظر می‌رسد، بر این اساس از طراحی ابعاد بسیار بزرگ یا بسیار کوچک پرهیز شده و فضایی مردم‌وار ساخته می‌شود، رعایت مقیاس انسانی در فضاهای شهری موثرترین عامل در ایجاد حس آرامش و خوشنودی مخاطبان است. علاوه بر مقیاس، استفاده از عناصر طبیعی و همچنین توجه به رنگ و بافت بومی عامل مهمی برای اغنای نیازهای روانی باشندگان در محیط محسوب می‌گردد. در ساختار شهری یزد، تا حد امکان از ایجاد بناهای بلندمرتبه پرهیز شده است، می‌توان گفت تنها بنای بلندمرتبه شهر، سردرد ورودی مسجد جامع است، که نقش خوانایی محیط را ایفا می‌کند (تصاویر ۳ و ۴). در تعریف خوانایی باید گفت: «کیفیتی است به وسیله عوامل مادی صورت گرفته و موجب توجه شهروندان بر یک عامل متمرکز می‌گردد، غرض از خوانایی شناخت آسان اجزای شهری و تشکیل قالبی پیوسته از آن‌ها در ذهن شهروندان در جهت کسب آرامش است» (لینچ، ۱۳۹۵: ۱۲).



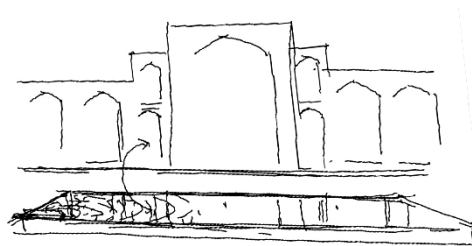
تصویر ۴- بکارگیری عنصر معماری (سردرد مسجد جامع) به عنوان نشانه شهری برای ایجاد وضوح و خوانایی در شهر. خوانایی در شهر قالبی پیوسته در ذهن مخاطبان ایجاد کرده و موجب آرامش آن‌ها می‌شود. (ماخذ: URL2).



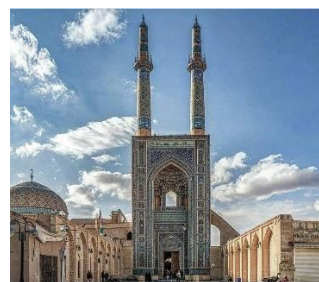
تصویر ۳- ساختار فضایی یزد مبتنی بر مقیاس انسانی، این ساختار موجب ایجاد حس آرامش برای مخاطبان شهری می‌شود. (ماخذ: URL1).

سیر از ظاهر به باطن در ساختار شهر یزد به وسیله رمزپردازی با فضاهای شاخص و ویژه (مانند تکایا، جلوخان مسجد و ...) کالبد یافته است، مسیرهای کم‌عرض و پیچ در پیچ شهر، به یکباره وارد فضایی گشاده و نورانی می‌شود، یکی از این فضا (و شاید اصلی‌ترین آن‌ها) جلوخان مسجد جامع کبیر است در این فضا تلفیقی از نور، رنگ، آب، آینه (انعکاس در آب) و شکست آینه (شکست در تصویر آب) (تصویر ۵) به صورت توأمان قابل مشاهده است این فضاها در ساختار شهر بستر تفکر، پندپذیری و سیر از ظاهر به باطن را فراهم می‌سازند (تصویر ۶) و کیفیت نفوذپذیری شهر را تضمین می‌کنند. نفوذپذیری یعنی وجود بین ارتباط بیرون

و درون (شولتز، ۱۳۹۵: ۴۱)، این کیفیت عامل پیوند بین فضاهای مختلف شهری شده و امکان تغییر و گوناگونی در منظرهای شهری را در عین حفظ وحدت به وجود می‌آورد (قاسمی اصفهانی، ۱۳۹۴: ۱۳۱).

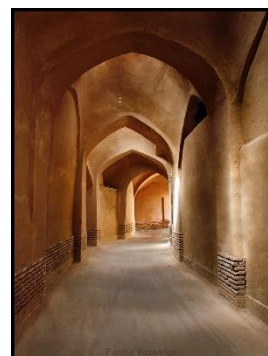


تصویر ۵- یکی از عناصر مفهوم‌ساز در فضای شهر استفاده از عنصر آب است، آب در هنگام سکون آینه‌ای در برابر ساختمان می‌سازد، با کوچک‌ترین تلنگر، تصویر مجازی از بنا تخریب شده و نمادی از دنیای فانی را به مخاطب نشان می‌دهد و مخاطبان را به تفکر در باب حقیقت وا می‌دارد.



تصویر ۶- سمت راست: جلوخان مسجد جامع یزد، سمت چپ: تکیه و میدان امیرچخماق، گشودگی در فضاهای شهری با بکارگیری همزمان نور، رنگ و آینه بستر مناسبی در راستای پاسخگویی به نیازهای عقلانی مخاطبان فراهم می‌نماید، این فضاها می‌توانند برای احقاق حق رفاه و آسایش شهروندان موثر باشند. (ماخذ: URL3).

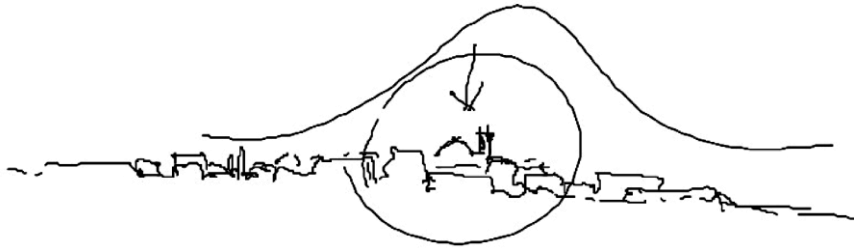
سادگی، تواضع و قناعت، راهکارهایی برای بسترسازی اغنای نیازهای روحانی مخاطبان فضا هستند، در ساختار سنتی شهر یزد می‌توان تمام این ویژگی‌ها را مورد خوانش قرار داد. نماهای بیرونی ساختمان‌ها عاری از ت برج و تکاثر بوده و با ساده‌ترین مصالح (کاه‌گل) پوشیده شده‌اند، کف‌سازی معابر نیز از آجر بوده و جلوه‌ای از سادگی و قناعت در شهر را نمایش می‌دهد، فضاهای خالی شهر همانند حیاط مرکزی خانه عمل کرده و نمایشی زمینی از مفهوم توحید را ارائه می‌دهد، پس می‌توان گفت ساختار شهر یزد از مراتب جز تا مرتبه کلی بستری جهت اغنای نیازهای روحانی مخاطبان فراهم آورده است. البته لازم به ذکر است که اغنای نیازهای روحانی وابستگی کامل به خودسازی مخاطبان نیز دارد. در تصویر ۶ می‌توان جلوه‌ای از قناعت و وحدت در ساختار یزد را مشاهده کرد.



تصویر ۷- جلوه‌گری مفهوم قناعت و وحدت در ساختار شهر یزد. این مفاهیم و ترجمان کالبدی آن‌ها در تمام مراتب شهری قابل مشاهده و خوانش است (ماخذ: URL4).

این مفاهیم در تک بناها (به عنوان سلول‌های تشکیل‌دهنده ساختار شهر) نیز قابل مشاهده است و موجب ادراک مخاطبان از شهر یزد به عنوان محلی هویت‌مند می‌شود و «جایی بودن» را براساس عوامل کالبدی مثل خیابان، کوچه و گذر، بخش‌های ارفع

دیوارها یا نماها تعریف می‌کند، جداره‌های شهر یزد به خاطر ثبت مضامین دیداری نقش اساسی در وقوع ادراک شهر را داشته و مرز اصلی فضاها را به خود اختصاص می‌دهند، کف در سیمای شهر فاقد این عملکرد بوده و بیشتر به صورت زمینه‌ای خنثی که به دلیل گستردگی کلی‌اش نقشی وحدت بخش و شخصیت آفرین را بازی می‌کند، از آنجایی که کف قادر به تجلی تنوع نیست لذا از طریق نقوش متداوم و برجسته نقشی اساسی در شناخت شهر ایفا خواهد کرد، عامل سوم برای ادراک شهر و شناخت جایی بودن آن سقف و یا به عبارتی خط آسمان می‌باشد خط آسمان به وسیله آهنگ افقی جداره‌ها تعریف شده و فرایند دیدار و انکشاف را ظاهر می‌سازد، کشش‌های عمودی در خط آسمان تنها به قطعیت بخشیدن جو کلی باری می‌رساند (تصویر ۸) (شولتز، ۱۳۹۵: ۸۴).



تصویر ۸- کشش آسمان در ساختار سنتی یزد به وسیله سردر و مناره مسجد جامع رخ می‌دهد، یعنی شهر به واسطه مسجد هویت پیدا می‌کند (توجه به امر پرستش).

درهم تنیدگی یکی دیگر از کیفیات یزد بیان می‌شود، این کیفیت به وسیله اتصالات قوی در مناظر شهری، وجود قانونمندی کالبدی حاکم بر منظر، بها دادن به فضای خالی در سیمای شهر و پیوند قوی میان منظر و بستر آن شکل می‌گیرد، در هم تنیدگی کیفیتی برای به وجود آوردن کلیتی واحد در عین حفظ استقلال عوامل جزئی‌تر در مناظر شهری می‌باشد (قاسمی اصفهانی، ۱۳۹۴: ۱۰۰). این کیفیت در راستای احقاق حق منظر شهری مطرح می‌گردد، به بیان کلی می‌توان اظهار داشت این حق به معنی فقدان عوامل ایجاد کننده انقطاع در منظر شهری است، آنچه می‌توان باعث پاره پاره شدن مناظر شهری شود وجود خیابان‌کشی‌ها و یا احداث ابنیه بدون توجه به زمینه و بافت اطراف است، این کیفیت نیز وابسته به کالبد کف، جداره و خط آسمان منظر بوده و متلاشی گشتن هر کدام از این‌ها موجب از دست رفتن کیفیت درهم تنیدگی می‌گردد. این کیفیت می‌تواند به واسطه شکل‌گیری توأم فضا و توده، توجه به اتصال بصری منظر سلول‌های شهری به هم، وجود هندسه مشخص در منظر و پیش‌بینی تغییرات نظامند آن، برقراری ارتباط مناسب بین مناظر پر و خالی و .... به وجود آید (قاسمی اصفهانی، ۱۳۹۴: ۱۰۲)، (تصویر ۹).



تصویر ۹- تلفیق عناصر انسان‌ساخت و طبیعی مشابه برای ایجاد کیفیت در هم تنیدگی در سیمای شهری یزد، (ماخذ: URL5).

با توجه بررسی شهر یزد از منظر حقوق اسلامی شهروندی، می‌توان گفت ساختار این شهر به صورت نسبی حق حیات، حق امنیت، حق آسایش و آرامش، حق عدالت، حق انسجام و وحدت، حق آموزش، حق حفظ هویت، حق حریم خصوصی شهروندان را پاس داشته و محیط زیست مطلوب و سالم برای ایشان ایجاد نموده است، شهروندان نیز در مقابل شهر تکالیفی به عهده دارند، از جمله این تکالیف می‌توان به وظیفه حفظ شهر، مسئولیت برای ایجاد امنیت شخصی و اجتماعی، رعایت انصاف، نشر هویت اسلامی-ایرانی در مرمت ابنیه موجود یا ایجاد بناهای جدید، عدم تجسس در حریم خصوصی افراد و حفظ محیط زیست سالم اشاره کرد. یعنی می‌توان گفت ساختار شهر یزد بستر مناسبی برای احقاق حقوق شهروندان از منظر اسلام فراهم آورده، اما احقاق کامل حقوق شهروندی به رفتارها، کردارهای انسانی نیز وابسته است.

## ۵- نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بازخوانی اسلامی-ایرانی از تحقق حقوق شهروندی در شهرهای سنتی بیان شد، این هدف در راستای مقابله با برخی از نظریات معاصر در باب حقوق شهروندی (که حقوق شهروندی را امر نو و مربوط به دو دهه اخیر معرفی می‌کردند) تبیین شد. بر همین اساس ساختار پژوهش در سه محور اصلی تشکیل گردید، براساس یافته‌های محور اول تحقیق مشخص شد حقوق شهروندی همزمان با ظهور اسلام ایجاد شده و احقاق حقوق مردم با ایده‌ها و اندیشه‌های مختلف یکی از اهداف این دین مبین است. در محور دوم پژوهش بیان گردید که حقوق شهروندی از منظر اسلام مبتنی بر توحید شکل گرفته و شهروندان علاوه بر اینکه ذی حق هستند، در مقابل مکلف به انجام تکالیف شهروندی نیز می‌باشند، بر همین اساس ۱۷ بند از حقوق اسلامی شهروندی معرفی شد، ۳ بند از بندهای مذکور شامل حق حیات، حق امنیت و حق رفاه و آسایش از آیات قرآن استخراج شد و مابقی حقوق از گفتار و رفتار ائمه معصومین استنباط گردید. در مرحله سوم پژوهش مشخص شد که ایجاد شهر در راستای احقاق حق حیات انسان‌ها بوده و سپس معلوم گردید حق امنیت، مهم‌ترین حق پس از حق حیات است و مراتب مختلفی مانند امنیت فردی، اجتماعی، سیاسی و ... دارد، اما ساختار کالبدی شهر نیز در ایجاد امنیت فیزیکی و روانی شهروندان موثر است، علاوه بر موارد مذکور، بیان گردید که توجه به نیازهای مادی، روانی، عقلانی و الهی شهروندان نیز زمینه احقاق حق رفاه و آسایش ایشان را فراهم می‌آورد. راهبردهای کالبدی این مفاهیم نیز توجه به عدالت، انسجام بین کالبد و محتوا، سیر از کثرت به وحدت و سیر از ظاهر به باطن بیان شد که با راهکارهای مختلفی مانند درون‌گرایی، مرکزگرایی، محوربندی فضا، سلسله‌مراتب، سامان‌بندی حرکت، تجردگرایی در تزئینات، نمادگرایی، سامان‌دهی چشم‌اندازها، تعامل با طبیعت و انعطاف‌پذیری عملکردی تجلی پیدا می‌کنند. در پایان نیز مفاهیم مذکور در شهر یزد بررسی و معلوم شد که ساختار سنتی این شهر به صورت نسبی حقوق شهروندان از منظر اسلام را پاس داشته و محیط زیست مطلوب و سالمی برای ایشان ایجاد کرده است، بنابراین این بستر امکان تعالی و سعادت مخاطبان را فراهم می‌نماید.

## منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. احمدپور، ایوب، (۱۳۸۷)، «درآمدی بر مبانی حقوق شهروندی در اسلام»، مجله پژوهش‌های اسلامی، شماره ۳، صص ۱۱۹-۱۴۲.
۴. اردلان، نادر، بختیار، لاله، (۱۳۹۱)، «حس وحدت»، ترجمه و نداد جلیلی، تهران: انتشارات علم معمار.
۵. افشار، ایرج، (۱۳۷۸)، «یزدنامه»، جلد ۲، تهران: انتشارات یزدان.
۶. بمانیان، محمدرضا، ارجمندی، سحر، علی‌محمدی، فرزانه، (۱۳۹۲)، «تأثیر اصول فقهی مرتبط با حقوق شهروندی بر پایه عدل در طراحی مسکن (نمونه موردی: سه مورد از خانه‌های ایرانی-اسلامی)»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۲، صص ۸۹-۱۰۰.
۷. پیرنیا، محمدکریم، (۱۳۸۹)، «سبک‌شناسی معماری ایرانی»، تهران: انتشارات سروش دانش.
۸. ترنر، برایان اس. ۱۳۸۶. مفهوم شهروندی. ترجمه جواد کارگراری. مجله حقوقی دادگستری. شماره ۵۸.
۹. جعفری، جعفر بن محمد، (۱۳۸۴)، «تاریخ یزد»، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۱۰. جوادآملی، عبدالله، خلیلی، مصطفی، (۱۳۸۸)، «حق و تکلیف در اسلام»، قم: انتشارات اسراء.
۱۱. حسن‌زاده آملی، حسن، (۱۳۹۲)، «هزار و یک نکته»، تهران، انتشارات رجا.
۱۲. سلطان‌زاده، حسین، (۱۳۶۴)، «تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تاسیس دارالفنون»، تهران: انتشارات نگاه.
۱۳. شولتز، نوربری، (۱۳۹۵)، «مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی»، ترجمه محمود یاراحمدی، تهران: نشر آگه.
۱۴. فاطمی سیدعلی، (۱۳۹۳)، «مؤلفه‌های حقوق شهروندی از دیدگاه امام‌علی(ع)»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، شماره ۴، صص ۴۷-۷۲.
۱۵. قاسمی اصفهانی، مروارید، (۱۳۹۴)، «اهل کجا هستیم» (هویت‌بخشی به بافت‌های مسکونی)، تهران: انتشارات روزنه.
۱۶. کاتب، احمدین حسین، (۱۳۸۶)، «تاریخ جدید یزد»، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۷. کرمی، مصطفی، (۱۴۰۰)، «تبیین جایگاه حقوق شهروندی در مدل‌های طراحی معماری مبتنی بر منابع اسلامی»، نشریه معماری‌شناسی، شماره ۲۰، صص ۹۱-۱۰۲.
۱۸. کریمی، عباس، کامیار، غلامرضا، (۱۳۹۶)، «حقوق شهروندی در قلمرو شهرنشینی»، تهران: نشر دادگستر.

۱۹. لیبب‌زاده، راضیه، حمزه‌نژاد، مهدی، خان‌محمدی، محمدعلی، (۱۳۹۶)، «ارزیابی مدل‌های تبیین‌گر طراحی معماری به منظور ارتقای جایگاه محتوا در آن‌ها»، نشریه انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، صص ۱۷-۳۱.
۲۰. لینیچ، کوین، (۱۳۹۵)، «سیمای شهر»، ترجمه منوچهر مزینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۱. محمدی‌ری‌شهری، محمد، (۱۳۷۹)، «میزان‌الحکمه» تهران: انتشارات دارالحدیث.
۲۲. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۹)، «حماسه حسینی»، تهران: نشر صدرا.
۲۳. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۵)، «آینده انقلاب اسلامی ایران»، تهران: نشر صدرا.
۲۴. مفیدی، محمد مفید مستوفی بافقی، (۱۳۸۵)، «جامع مفیدی»، به کوشش ایرج افشار، جلد ۱ و ۳، تهران: انتشارات اساطیر.
۲۵. نقره‌کار، عبدالحمید، (۱۳۹۳)، «برداشتی از حکمت اسلامی در هنر و معماری»، تهران: انتشارات فکر نو.
۲۶. نقره‌کار، عبدالحمید، مظفر، فرهنگ، تقدیر، سمانه، (۱۳۹۳)، «بررسی قابلیت‌های فضای معماری برای ایجاد بستر پاسخ‌گویی به نیازهای انسان از منظر اسلام، مطالعه موردی: خانه‌های زینت‌الملک شیراز و بروجردی‌های کاشان»، مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، شماره ۴، صص ۲۱-۳۴.
۲۷. نقی‌زاده، محمد، (۱۳۸۵)، «شهرسازی معماری اسلامی (مبانی نظری)»، اصفهان: انتشارات سازمان نظام مهندسی اصفهان.
۲۸. نوروزی، محمدجواد، (۱۳۸۸)، «فلسفه سیاسی اسلام»، قم: انتشارات امام خمینی.
29. Barker, David and Padfield, Colin, (2002), "Law Made Simple", 11 ed., London: Elsevier.
30. Graig, Paul, (2003), "EU Larv", 3 ed. Oxford: Oxford University Press.
31. Martin, Elizabeth, (1977), "Oxford Dictionary of Laiv", 40 ed, Oxford: Oxford University Press.
32. Zweigert, Konrad & Kotz, Hein, (1998), "An Introduction to Comparative Law", 310 ed. Oxford: Clarendon Press.
33. URL1: <https://www.mashreghnews.ir/>
34. URL2: <http://pipearia.com/>
35. URL3: <http://safarmarket.com/>
36. URL4: <https://novinshahr.com/>
37. URL5: <https://www.iranhotelonline.com/>